

مطالعه خوانش بینامتنی بافت لاله‌زار بر پایه مفهوم «فضا-رویداد» در راستای ارتقای کیفی فضا

محمد رضا جاسبی^۱، فاطمه امیریان^{۲*}، بهمن نامور مطلق^۳

^۱ کارشناسی ارشد، گروه معماری، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، پرند، ایران.
^۲ استادیار، گروه معماری، واحد پرند، دانشگاه آزاد اسلامی، پرند، ایران. نویسنده مسئول.
^۳ دانشیار، گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۳۰

چکیده

این مقاله نوشتاری پیرامون شناسایی موثرترین مولفه‌های ارتقای کیفی فضا بر پایه مفهوم «فضا-رویداد» در بافت‌های باارزش به کمک خوانش بینامتنی است. بافت مورد مطالعه در این پژوهش، بافت خیابان لاله‌زار است؛ چرا که این خیابان یکی از قدیمی‌ترین خیابان‌های تاریخی-فرهنگی تهران است و در گذشته از آن به‌عنوان یکی از راسته‌های پر رفت‌وآمد تهران قدیم یاد می‌شود که خاطرات زیادی برای مخاطبین خود پدید آورده است. نبود فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط و همجواری نامناسب، این خیابان را با مسائل فراوانی مواجه کرده‌اند. از آن‌جا که یکی از بسترهای مورد مطالعه در حوزه نظری معماری معاصر، بحث کیفیت فضا و ارتقای آن است؛ که در این میان صاحب‌نظرانی مانند: بنتلی، راجرز، بل، گلکار و غیره نظریاتی را مطرح کرده‌اند. برخی از معماران و طراحان شهری بر این باورند که مولفه‌های موجود به‌تنهایی پاسخگوی ارتقای کیفی بافت‌های باارزش نیستند. هدف از این نوشتار؛ مطالعه، بررسی و توجه به زوایای پنهان تاثیر مولفه‌های «فضا-رویداد» بر کیفیت فضا توسط خوانش بینامتنی در بافت لاله‌زار است. از این‌رو روش پژوهش مورد استفاده از نوع کیفی تفسیری است که به مطالعه و بررسی آرای نظریه‌پردازان حوزه‌های مختلف پرداخته و هم‌زمان با مطالعه کتابخانه‌ای-اسنادی، ضمن حضور در متن بناها از مصاحبه نیز استفاده گردیده است. در انتهای مطالعات نیز، داده‌ها به روش تفسیری و تحلیل محتوای کیفی، با کمک دو نرم‌افزار SPSS 22 و MAXQDA 2020 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: چگونه می‌توان از طریق خوانش بینامتنی، به مولفه‌های قابل اتکا و مولفه‌های موثر در ارتقای کیفی در روند طراحی فضا در بافت‌های باارزش دست یافت؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که مولفه‌های ادراک فضا، وابستگی به روند طبیعی زندگی (تناسب، نظم، پویایی)، شکل‌دهی به فضا (تنوع و سلسله مراتب) جزو موثرترین مولفه‌ها در ارتقای کیفی بافت‌های باارزش هستند.

واژگان کلیدی: خوانش بینامتنی، فضا-رویداد، ارتقای کیفی فضا، لاله‌زار، بافت باارزش تاریخی.

* نویسنده مسئول: E-mail: fatemeh.amirian@piu.ac.ir

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد نویسنده اول با عنوان «ارائه خوانش بینامتنی بر پایه مفهوم «فضا-رویداد» بافت لاله‌زار در راستای طراحی مرکز هنرهای چند رسانه‌ای» می‌باشد که به راهنمایی نویسنده دوم و مشاوره نویسنده سوم در دانشکده فنی مهندسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد پرند انجام شده است.

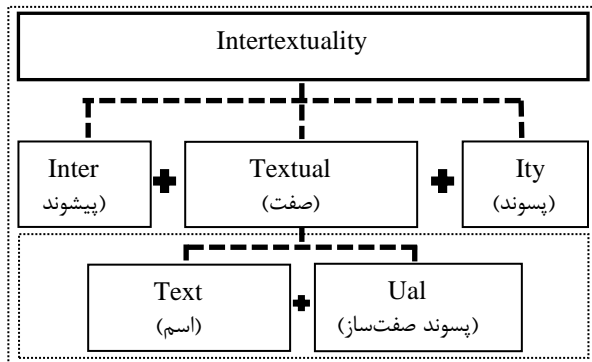
■ مقدمه

بافت‌های سنتی و باارزش تاریخی بخش جدایی‌ناپذیر از فرهنگ هر جامعه محسوب می‌شوند که این امر نمایان‌گر اهمیت حفظ و احیای آن است. به‌طور معمول، بافت‌های تاریخی حامل کدهای زیستی نسل‌هایی است که هریک در مقطعی زمانی، اثری بر آن برجای گذاشته‌اند که بی‌شک جزو سرمایه‌های فرهنگی هر ملت و دربردارنده خاطرات و تصاویر ذهنی جمعی شهروندان آن شهر می‌باشند که پایه و اساس هویت آنان را شکل می‌دهند. خیابان لاله‌زار تهران یکی از شاخص‌ترین خیابان‌های تهران قدیم است که در زمان ناصرالدین شاه ساخته شده و واجد ارزش‌های بصری غیرقابل انکاری است. این خیابان تاریخی در گذشته دارای نقش فرهنگی، سیاسی، تجاری و تفریحی بوده است و نماد نوگرایی این شهر و در واقع شانزده‌لیزه تهران بوده است (منصوررضایی و مدیری، ۱۳۹۳). متأسفانه بخش‌های زیادی از این دارایی‌های فرهنگی-اجتماعی این بافت قدیمی آسیب دیده‌اند و بسیاری از فضاهای نمادین آن تخریب گشته‌اند و یا در معرض نابودی قرار گرفته‌اند و به‌لحاظ کاربری اغلب به فضایی برای فعالیت‌های روزمره، نامتجانس و ناهمگون با کالبد فضایی‌شان در قالب فضاهای خرید و فروش لوازم الکتریکی اختصاص یافته‌اند که اغتشاش بصری بیش‌تری را به‌دنبال داشته‌اند. در حالی که محور لاله‌زار به‌دلیل موقعیت قرارگیری خاص و همجواری‌اش با میدان بهارستان و میدان توپخانه و همچنین به‌دلیل وجود پیشینه تاریخی غنی دارای ظرفیت درخشانی برای پذیرش عملکردهای جدید متناسب با شان فرهنگی و تاریخی بافت است. خوانش آن، زمینه لازم برای ایجاد یک گذر فرهنگی در مقیاس کلان در شهر تهران را می‌تواند فراهم آورد.

از آن‌جا که برای مطالعه و خوانش بافت شهری، توجه به پیشینه و سابقه تاریخی ابنیه ضروری است، به‌منظور تقویت پتانسیل‌های موجود و زدودن بخش‌های ناموزون آن، رویکرد بینامتنی برای این امر انتخاب گشت. علت این امر در آن است که بینامتنیت به رابطه گوناگون متون می‌پردازد و خوانش بینامتنی این امکان را به پژوهشگر می‌دهد تا لایه‌های مختلف یک متن را مورد مطالعه قرار دهد و در این راستا از علم هرمنوتیک که در ذات خود با تاویل و تغییر همراه است بهره‌مند شود. اصل اساسی نظریه بینامتنیت بر این اساس است که هیچ متنی بدون پیش‌متن وجود ندارد و متن‌ها پیوسته براساس متون گذشته بنا می‌شوند (نامورمطلق، ۱۳۹۴). بینامتنیت نشان‌دهنده آن است که همه رویدادهای ارتباطی به‌نوعی به رویدادهای پیشین مربوط هستند و از آن‌ها بهره می‌گیرند و این کار را از طریق خوانش متن به انجام می‌رساند. در این میان نکته قابل توجه آن است که لاله‌زار بیش از کالبدش به‌دلیل رویدادهای جاری‌اش همچون کافه‌ها، سینماها، هتل‌ها و بوتیک‌هایش معروف بوده است. وجود و کیفیت این رویدادها باعث حیات فضا می‌شوند. به همین دلیل تمرکز اصلی این پژوهش بر مطالعه تاثیر خوانش بینامتنی بافت لاله‌زار بر پایه مفهوم «فضا-رویداد» قرار می‌گیرد. سوال اصلی پژوهش آن است که: چگونه می‌توان از طریق خوانش بینامتنی، به مولفه‌های قابل اتکا و مولفه‌های موثر در ارتقای کیفی در روند طراحی فضا در بافت‌های باارزش دست یافت؟ در این پژوهش فضا-رویدادها و ارتباط فضا-رویدادی گذشته مورد مطالعه قرار می‌گیرند و از آن‌جا که این ارتباط در حال حاضر از بین رفته و فقط ظرف رویدادهای گذشته باقی مانده است، می‌توان ظرف فضایی موجود را با رویداد جدید تجهیز کرد که تبدیل به فضایی شود تا افرادی که دغدغه و نیاز به این فضاها را دارند، وارد فضا شوند و از آن استفاده کنند. به همین دلیل در ابتدا نظریات افراد مختلف در حوزه کیفیت فضا مطرح می‌شوند تا در انتخاب معیارها در راستای ارتقای کیفیت فضا بتوان گام برداشت.

پیشینه پژوهش

واژه بینامتنیت از یک صفت (textual)، یک پیشوند (inter) و یک پسوند (ity) تولید شده است. پیشوند "inter" یک عنصر واژه‌ساز در زبان انگلیسی است که در فرهنگ لغت، «بین یا شامل دو یا چند چیز، مکان یا افراد» و پسوند "ity" به معنی حالت‌داشتن یک کیفیت خاص یا چیزی که آن کیفیت را دارد، معنا شده است. همچنین صفت "textual" از اسم "text" و پسوند صفت‌ساز "ual" به معنی «متنی یا مربوط به نوشته و متن» تشکیل شده است (Longman, 2005). اسم "text" به معنی نوشته و متن است که ریشه این اسم از کلمه لاتین "textus" به معنای سبک یا بافت اثر به معنای واقعی کلمه «چیز بافته‌شده» است (Oxford A.D, 2007) (نمودار ۱).



نمودار ۱. واژه‌شناسی بینامتنیت (نگارندگان)

بینامتنیت دستاورد یک فرد نیست؛ بلکه نتیجه جریان‌ها و کوشش شخصیت‌هایی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. براساس این نظریه، هیچ متنی بدون پیش‌متن وجود نخواهد داشت و متن‌ها به طور مستقل خلق نمی‌شوند بلکه در ساختار جهان متنی شکل می‌گیرند (نامورمطلق، ۱۳۹۴). باختین^۱ با بیان نظریه متن‌های تک صدا و چندصدا و موضوع گفت‌وگومندی، بیش‌ترین تاثیر را در شکل‌گیری

بینامتنیت داشته است. «چندصدایی به معنای توزیع مساوی صداها در یک متن است، به گونه‌ای که تمام صداها حق حضور داشته باشند و یکی بر دیگری مسلط نباشد. چندصدایی ویژگی گفت‌وگومندی محسوب می‌گردد» (نامورمطلق، ۱۳۹۴، ۶۸). از یولیا کریستوا^۲ می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز و واضع بینامتنیت نام برد. او با توجه به اندیشه‌های باختین به مطالعه بینامتنیت پرداخت که با مسائل فرهنگی و اجتماعی همراه شد. وی عامل اساسی پویایی متن را، بینامتنیت می‌داند (نامورمطلق، ۱۳۸۷). از نظر پیگی‌گرو^۳ گفت‌وگومندی و چندصدایی نقش اساسی در تکوین نظریه بینامتنیت دارد (Piegay-Gros, 1996). سوفی رابو^۴ هم در این مورد به تاثیر گفت‌وگومندی بر بینامتنیت اشاره نموده که گفت‌وگومندی یکی از منابع اصلی نظریه بینامتنیت است (Rabau, 2002). باختین تاکید فراوانی بر موضوع زمان و مکان دارد و معتقد است که هر نوع اثر، تصویری از واقعیت، برحسب مکان و زمان، ارائه می‌کند (تودوروف، ۱۳۹۸). بیان جدایی‌ناپذیری مکان و زمان (به‌عنوان بعد چهارم)، برای باختین از اهمیت والایی برخوردار است (Bakhtin, 1975). او معتقد است که زبان، هنر و ادبیات زمانی که با واقعیت اجتماعی و فرهنگی در ارتباط باشند از نیرو و معنای ژرف‌تری بهره‌مند هستند و اگر از جامعه، فرهنگ و تاریخ دور شوند به انتزاع و ذهنیت می‌رسند و علاوه بر کاهش غنای آن، رفته‌رفته از بین می‌روند (نامورمطلق، ۱۳۹۴). فرهنگ در پایداری و تداوم حیات یک شهر در طول زمان نقش مهمی دارد و توسط نظام‌های ارزشی از قبل موجود به‌عنوان یک محرک، می‌توان در زمان حال توسط یک اقدام فرهنگی جدید یا یک فرهنگی که ریشه در گذشته جامعه دارد، برای تغییر بافت یک شهر تلاش نمود (لاندری، ۱۳۹۴). رولان بارت^۵ یکی از اصلی‌ترین نظریه‌پردازان حوزه بینامتنیت است که در کنار کریستوا با نظریات خود باعث گسترش و ثبات این موضوع گردید. همچنین شهرت بارت نزد محققان را می‌توان یکی دیگر از علل گسترش و رسمیت یافتن بینامتنیت دانست. وی با توجه به اهمیتی که برای مخاطب و خوانش قائل بود، یکی از بزرگترین دست‌آوردهای خود را تحت جریان نوین بینامتنیت خوانشی شکل داد. از او به‌عنوان یکی از پیشگامان به‌کارگیری بینامتنیت در هنر

(بینامتنیت هنری) یاد می‌شود. لوران ژنی^۶ برای انتقال بینامتنیت از حوزه نظری به حوزه نقد و کاربردی کردن آن تلاش بسیاری نمود و به روش تحلیل و مطالعه آثار ادبی و هنری در این زمینه پرداخت. تاکید وی بر بینامتنیت تولیدی است اما توجهی به خوانش نیز داشته است. ژنی بینامتنیت را به بینامتنیت ضعیف و قوی تقسیم بندی می‌کند که این دو در مقابل یکدیگر قرار دارند (نامور مطلق، ۱۳۹۴). میکائیل ریفاتر^۷ یکی دیگر از نظریه پردازان مهم نسل دوم بینامتنیت است که در حوزه نقد و کاربردی کردن آن از نقش مهمی برخوردار است. وی به دنبال آثار و اندیشه‌های رولان بارت، قسمت عمده‌ای از مطالعات خود را در این زمینه به بینامتنیت خوانشی و دریافتی اختصاص داده است. خوانش بینامتنی نزد وی از هویت مستقلی برخوردار است چرا که او دو سطح از خوانش یعنی خوانش نشانه‌ای در مقابل خوانش محاکاتی را در این زمینه مطرح می‌کند (Gignoux, 2005, 41). ژرار ژنت^۸ در ادامه تحقیقات و مطالعات بینامتنیت، ترامتنیت را به عنوان یکی از گرایش‌های نوین تحت پنج نوع رابطه بینامتنیت^۹، پیرامتنیت^{۱۰}، فرامتنیت^{۱۱}، سرمتنیت^{۱۲}، بیش متنیت^{۱۳} مطرح نمود. «ترامتنیت به بررسی و تبیین روابط متن با غیر آن می‌پردازد» (نامور مطلق، ۱۳۹۴، ۳۵۶).

جدول ۱. مهم‌ترین نظریه پردازان در حوزه بینامتنی (نگارندگان)

ردیف	نظریه پرداز	نسل	جریان بینامتنیت	نوع بینامتنیت	توضیحات
۱	میکائیل باختین	پیشابینامتنیت	-	-	بزرگترین و موثرترین نظریه پرداز پیشابینامتنیت / طرح نظریه چندصدایی و گفت‌وگومندی
۲	یولیا کریستوا	نسل اول	تولیدی	نظری	واضع بینامتنیت
۳	رولان بارت		خوانشی	کاربردی	طرح جریان بینامتنیت خوانشی / پیشگام در بینامتنیت هنری / کمک به گسترش و رسمیت شناختن بینامتنی
۴	لوران ژنی	نسل دوم	تولیدی	کاربردی	تلاش برای کاربردی کردن بینامتنیت / تقسیم‌بندی بینامتنیت به دو دسته قوی و ضعیف / ارتباط کلژ و بینامتنیت
۵	میکائیل ریفاتر		خوانشی	کاربردی	دنباله‌رو بارت در جریان بینامتنیت خوانشی و دریافتی / تمرکز بر بلاغت ادبی (جنبه شعرگونه متن)
۶	ژرار ژنت		خوانشی	کاربردی	طرح گرایش نوین ترامتنیت

آرای شش تن از مهم‌ترین و تاثیرگذارترین نظریه پردازان حوزه بینامتنیت به طور خلاصه در جدول ۱، شرح داده شده‌اند. روابط بینامتنی علاوه بر خلق و آفرینش آثار به خوانش و فهم آنها نیز کمک می‌کنند در این راستا با توجه به رویکرد و عنوان پژوهش حاضر، محور مطالعات در بخش مبانی نظری، حول بینامتنیت دریافت و خوانش بینامتنی قرار داده شده است.

فضا به مثابه تجمع افراد و اشیاء، از نقطه نظرانی متنوع و بهم مرتبط تعریف می‌شود (مدنی پور، ۱۳۹۲، ۱). با مطرح شدن نظریه نسبیت عام و خاص و نظریه فضا-زمان اینشتین^{۱۴}، موضوع «رویداد» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردید. زمانی که مدل ریاضی فضا-زمان عنوان شد، یک بعد زمان در سه بعد فضا با یکدیگر ادغام می‌گردند تا محیطی چهاربعدهای و پیوسته را شکل دهند. در این مرحله است که رویداد خود را نشان می‌دهد؛ چرا که اجزای تشکیل دهنده فضا و زمان، همان رویدادها می‌باشند. با توجه به این نظریه، به نقطه‌ای که از برخورد زمانی خاص و مکانی خاص ایجاد شود، رویداد گویند (French, 1968). رفته رفته مفهوم رویداد در حوزه‌های مختلف هنر، ادبیات، فلسفه و معماری وارد

شد. با ظهور هنر پاپ، جایگاه ویژه‌ای برای دو مفهوم "محیط" و "رویداد" در آفرینش‌ها و نوآوری‌های هنری ایجاد شد. هنرمندان برای خلق مفهوم «رویداد»، از عناصر مختلفی استفاده می‌نمودند (لوسی اسمیت، ۱۴۰۱). علاقه‌مندی ژاک دریدا و برنارد چومی به مکان «واقع‌شدن یک رویداد» و بعد موقتی تجربه در فضا را می‌توان در آثارشان مشاهده نمود (نسبیت، ۱۳۹۳). رویدادها می‌توانند فضا و مکان را تعریف کنند و به‌عنوان یک عنصر هویت‌بخش و وحدت‌بخش برای فضا و مکان مطرح شوند. همچنین در معماری، رویداد را می‌توان یک عنصر و نقطه آغازین برای روند طراحی و تولید فرم در نظر گرفت. به‌وسیله رویدادها، فضا را می‌توان مورد شناخت و تحلیل قرار داد. سطوح استفاده از رویداد در معماری را می‌توان در جدول ۲ مشاهده نمود (امیریان و ایرانی بهبهانی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۶). مفهوم فضا در رشته‌های گوناگون از نقش‌های اساسی برخوردار است که هر کدام با توجه به نیاز خود برای آن تعاریف مختلفی ارائه می‌نمایند. از نظر ارسطو؛ فضا، ظرف تمام اشیاست که به‌عنوان مفهومی مطلق معرفی می‌شود (راسل، ۱۳۹۹). کریستین نوربرگ شولتز^{۱۵} مکان‌ها را فضایی می‌داند که در آن بتوان رویدادهایی را با معنای وجود تجربه کرد (شولتز، ۱۳۹۳). با استفاده از کلمه مکان، هر فرد حداقل یک رخداد (که در آن مکان واقع شده است)، یک اسطوره (مکان معروف)، یا یک تاریخ (مکان واقعه تاریخی) در ذهن تداعی می‌کند. مکان‌ها حداقل دارای سه خصوصیات مشترک هویت، ارتباط و تاریخ هستند (اوژه، ۱۳۸۷). از نظر ادوارد کیسی^{۱۶} صحبت کردن از فضا-زمان، سخن گفتن از رویداد است. چون که رویداد به‌طور هم‌زمان، هم فضایی و هم زمانی است (De Certeau, 1984). الیزابت گروز^{۱۷} در خصوص فضای رویدادی معتقد است که؛ در گشایش فضا به سمت زمان، فضا دستخوش ترادسی^{۱۸} و تغییر شکل^{۱۹} قرار گرفته و خاص و ویژه می‌شود. اگر زمان خطی^{۲۰}، متوالی^{۲۱}، چرخه‌ای^{۲۲} و بازگشت‌پذیر^{۲۳} نباشد و در عوض آن غیرقطعی^{۲۴}، آشکارکننده^{۲۵}، تکثیرکننده^{۲۶}، پیچیده^{۲۷} و ناهمگن^{۲۸} باشد، آن وقت فضا حتماً به صورت خنثی، منفرد و همگن نمی‌باشد، بلکه متناسب با دیگر فضاها مجدداً پیکره‌بندی می‌گردد، درنهایت، فضا تنها تنظیم‌کننده رویدادها و روندها نیست، بلکه آن‌ها را با یکدیگر همراه می‌کند (Grosz, 2001).

جدول ۲- سطوح استفاده از رویداد در معماری (امیریان و ایرانی بهبهانی و سلطان‌زاده، ۱۳۹۶، ۴۷۷)

ردیف	سطوح مختلف استفاده از رویداد در معماری	نظریه پرداز
۱	تعریف، هویت‌بخشی و وحدت‌بخشی به فضا، مکان و زمان	الکساندر (۱۳۹۰)، مَسِی (۱۹۹۴)، کیسی (۲۰۰۱)، وینتر (۲۰۰۱)، دوسرتو (۱۹۸۴)، فلامکی (۱۳۸۶)
۲	استفاده از رویداد به‌عنوان ابزار شناخت، تحلیل، طراحی فضا و تولید فرم	گائوستا (۲۰۰۳)، چومی (۲۰۰۰)، دریدا (۲۰۰۴)، دلوز (۲۰۰۳)؛ استفاده از تجربه فیلمیک در معماری: کوپ هیمبل، ژان نوول، رم کولهااس
۳	بازآفرینی عنصر حیات در فضای معماری و شهری	ریچاردز و پالم (۲۰۱۰)، لاندردی (۱۹۹۶)، کوپین (۲۰۰۵)، ایوانز (۲۰۰۳)

■ مبانی نظری

از آن‌جا که هدف از این پژوهش تاثیر مولفه‌های وابسته به «فضا- رویداد» بر ارتقای کیفی فضا است؛ در ابتدا به مطالعه محورهای ارتقای کیفیت فضا نزد چندین نظریه‌پرداز شاخص در این حوزه پرداخته شده است، سپس ضمن

مطالعه و بررسی آرای نظریه پردازان در حوزه خوانش بینامتنی به تعریف مفهوم فضا-رویداد و نحوه ارتباط فضا و رویداد از نظر کریستوفر الکساندر و برنارد چومی پرداخته شد چرا که این دو نظریه پرداز، تنها افرادی هستند که از نظر دانش‌واژه معماری به مفهوم فضا-رویداد پرداخته و بیشتر به روابط و الگوهای فضا-رویدادی و رابطه فضا با رویداد توجه داشته‌اند. که در نتیجه نمود آن‌ها را در جنبه‌های کالبدی-ساختاری، عملکردی می‌توان دید. در پژوهش حاضر، فقط معیارهای مرتبط با فضا-رویداد که جنبه کالبدی-ساختاری، عملکردی را دارا هستند مورد تحلیل و تفسیر واقع می‌گردند، چراکه می‌توان گفت این سه وجه ذکر شده در مفهوم «فضا-رویداد» نمود طراحی و معمارانه پیدا می‌کنند. در نهایت به مطالعه سیر تکامل و شکل‌گیری بافت و خیابان لاله‌زار، به‌عنوان نمونه مطالعاتی پرداخته شده است.

■ ارتقای کیفی فضا

کیفیت یک فضا در شهر از برآیند مولفه‌هایی حاصل می‌شود که می‌توان با شناسایی کارکردها و تاثیرات مناسب آن‌ها بر فضا راه‌کارهایی برای بهبود کیفیت فضاهای شهری ارائه داد. از آن‌جا که کیفیت طراحی شهری یک مکان، ناگزیر از پاسخ‌دهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است، می‌توان مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری را مولفه‌هایی به موازات مولفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. واژه کیفیت در همه دانش‌ها و زمینه‌های مرتبط با زندگی انسان به کار رفته است و مورد استفاده قرار می‌گیرد. کیفیت در عام و به‌طور واضح، برای توصیف درجه کمال اشیا و پدیده‌ها استفاده می‌شود (گلکار، ۱۳۸۰). مفهوم کیفیت یک مفهوم نسبی بوده که دارای معنایی ژرف‌تر از معنای اصلی خود است که دو وجه؛ ۱- مبهم و چندپهلوی، ۲- روشن و واضح دارد. این مفهوم گاهی به خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز و گاهی به کلیت و سیستمی از جزء کیفیت‌های یک چیز اشاره دارد (پاکزاد، ۱۳۹۳: ۷۸). با استفاده از کیفیت‌های کلی می‌توان به تفاوت چیزها از یکدیگر رسید و در این راستا جزء کیفیت‌ها نیز می‌توانند تفاوت ویژگی‌های یک چیز را بیان نمایند (پورجعفر و صادقی، ۱۳۸۸). کیفیت، گاهی به خاصیت‌ها و ویژگی‌های اصلی یک چیز اشاره دارد و گاهی دیگر چیزها توسط کلیت و قاعده‌ای از جزء کیفیت‌ها به‌وجود می‌آیند (پاکزاد، ۱۳۹۳). همچنین فرهنگ زبان فارسی عمید، لغت «کیفیت» را چگونگی صفت و حالت چیزی معنا کرده است (عمید، ۱۳۹۳). واژه کیفیت در فرهنگ زبان انگلیسی لانگمن به‌معنای چیزی است که یک شخص، یک شی و یا یک فکر دارد و موجب خاص و جالب شدن آن می‌گردد (Longman, 2005). فرهنگ انگلیسی آکسفورد نیز برای واژه کیفیت به چهار معنا؛ ۱- درجه خوبی و ارزش چیزها، ۲- خوبی و کمال به مفهوم عام، ۳- صفات و خصوصیات، ۴- جنبه ویژه و علائم مشخصه و ممیزه اشاره می‌کند (Oxford A.D, 2007). اما در واقع «کیفیت، چگونگی یک چیز یا پدیده می‌باشد که تاثیر عاطفی و عقلانی خاص بر انسان می‌گذارد» (پاکزاد، ۱۳۹۳، ۷۸). در واقع، کیفیت‌ها در کلیت خود تعیین درونی و اساسی پدیده‌ها هستند که آن را به چیزی تبدیل می‌کنند که باید باشند و بدین‌وسیله یک چیز را از همه چیزهای دیگر متمایز می‌گردانند. کیفیت‌ها به شی ثبات نسبی می‌بخشند و به‌گفته ارسطو، کیفیت‌ها آن‌هایی هستند که تفاوت یک موجود را بیان می‌کنند (پاکزاد، ۱۳۹۳، ۱۰۴-۱۰۶). در معماری و طراحی شهری با دیدی متفاوت به کیفیت در محصول و فرآیند توجه می‌شود؛ که باتوجه به این موضوع کیفیت، توانایی کافی برای یک محصول یا خدمات ویژه است (Ozsoy & Esin, 1996). فضاهایی که انسان به‌دلایل مختلف (سکونت، اشتغال، رفت‌وآمد و گذران اوقات فراغت) در آن‌ها حضور می‌یابد از کیفیاتی برخوردار هستند که قابل ارزیابی می‌باشند و به‌عقیده لینچ هدف اصلی، ارتقا بخشیدن کیفیت محیط کالبدی انسان‌ها است که موجب ارتقا بخشیدن به کیفیت زندگی آن‌ها می‌شود (گلکار، ۱۳۸۰). در جدول ۳، معیارها و ویژگی‌های کلی کیفیت فضایی از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف به‌طور مختصر ارائه گردیده‌اند. در

بررسی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان، به مطالعه معیارهای ارائه‌شده توسط مطرح‌ترین افراد و مراجع متخصص در حوزه معماری و طراحی شهری پرداخته شده است. و برای معماران و طراحان شهری در طراحی، ابعاد کالبدی، ساختاری، عملکردی و هرآن چیز مابه‌ازای طراحی معماری و شهری (فضا-رویدادی) اهمیت دارد.

جدول ۳. نظریه‌پردازان منتخب در حوزه کیفیت فضا (نگارندگان)

ردیف	نظریه پرداز	معیارها و ویژگی‌های کیفیت فضایی
۱	کوبین لینچ ^{۲۹}	سرزندگی - معنا- تناسب - دسترسی - نظارت و اختیار - کارایی - عدالت
۲	ایان بنتلی ^{۳۰}	نفوذپذیری- گوناگونی- خوانایی- انعطاف‌پذیری- تناسبات بصری- غنای حسی- رنگ تعلق - کارایی مصرف انرژی- پاکیزگی و حداقل آلودگی‌ها- حمایت و نگهداری از اکوسیستم‌ها
۳	ریچارد جرج راجرز ^{۳۱}	توجه به زمینه اجتماعی و فیزیکی سایت طراحی- تداوم در مقیاس و کاراکتر محلی- اولویت‌دادن به قلمرو عمومی- دسترسی و نفوذپذیری- بهینه‌کردن کاربری زمین و تراکم- تنوع و اختلاط فعالیت‌ها و عملکردها- تنوع در نحوه تصرف- پایداری و تطبیق‌پذیری کالبدی- حداقل نمودن مصرف انرژی- مسئولیت‌پذیری زیست‌محیطی
۴	متئو کرمونا ^{۳۲}	پاکیزگی و نظم- دسترسی آسان- جذابیت بصری- آسایش- فراگیری و دعوت‌کنندگی- سرزندگی و مانایی و پررونقی- کارکردی بودن- تمایز و تشخیص- ایمنی و امنیت- قدرتمندی- سبز و غیرآلوده- حس تعلق و تملک
۵	PPS ^{۳۳}	دسترسی به هم‌پیوستگی - راحتی و تصویرپذیری- کارکردی و فعال- جامعه‌پذیری
۷	سایمون بل ^{۳۴}	تنوع- همبستگی- روح مکان- مرموز بودن- مقیاس‌های چندگانه- قدرت
۸	کوروش گلکار	مولفه‌های عملکردی- مولفه‌های تجربی و زیباشناختی- مولفه‌های زیست‌محیطی

■ خوانش بینامتنی

همان‌طور که پیش‌تر در قسمت مطالعه پیشینه پژوهش عنوان شد، در این قسمت به مطالعه مفهوم "خوانش بینامتنی" پرداخته می‌شود. از آنجایی که رابطه بسیار قوی بین خوانش بینامتنی و هرمنوتیک گادامری برقرار است، بررسی برخی از آرای گادامر^{۳۵} خالی از لطف نیست. با توجه به زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و زندگی هر انسان خوانش و دریافت از متون در دوره‌های مختلف زمانی متفاوت هستند. اصولاً در معماری، خوانش هر بنا بدون توجه به لایه‌های متنی‌ای که در خلق آن تاثیر داشته‌اند امکان‌پذیر نیست. به کمک خوانش بینامتنی می‌توان متون معماری را هم‌چون یک شبکه‌ای از متن‌ها مورد بررسی و تفسیر قرار داد. این امر از خوانش‌های سطحی و صرفاً توصیفی جلوگیری می‌کند چراکه باعث می‌شود ابعاد متفاوتی در روابط و شبکه‌های متنی معماری مورد خوانش قرار گیرند (نامورمطلق، ۱۳۹۴).

بارت برای تبیین یک متن، بینامتنیت را به‌عنوان یکی از اصول آن به حساب می‌آورد و توسط بینامتن هر آن چیزی را که بتواند در ارتباط با متن معرفی کند، متن تلقی می‌کند (Barthes, 1984). او معتقد است که هر متنی یک بینامتن است؛ متن‌های دیگر در وجوه مختلف و با شکل‌های قابل رویت در خود متن حضور دارند، متن‌های فرهنگ پیشین و متن‌های فرهنگ محیط؛ و هر متن را یک بافت جدید از نقل‌قول‌های تغییر یافته شده می‌داند (Barthes, 2002). بارت چیزی را بینامتنیت می‌داند که بتوان متن‌های پسین و آینده را به آن افزود. منابع تشکیل‌دهنده یک متن علاوه بر آن‌هایی که پیش‌تر آمده‌اند، آن‌هایی که پس‌تر می‌آیند نیز هستند (Barthes, 1985).

بارت با استفاده از ارتباطی که متن‌های پیشین در خلق متن جدید دارند، حقوق مولف را مورد تردید قرار داده است که این امر باعث ایجاد یکی از مهم‌ترین نظریات بارت تحت عنوان "مرگ مؤلف" می‌گردد. وی همانندی‌هایی را میان بینامتنی خود و هرمنوتیک عنوان می‌کند و از نظر او بینامتن بارتی بسیار به هرمنوتیک نزدیک است (نامورمطلق،

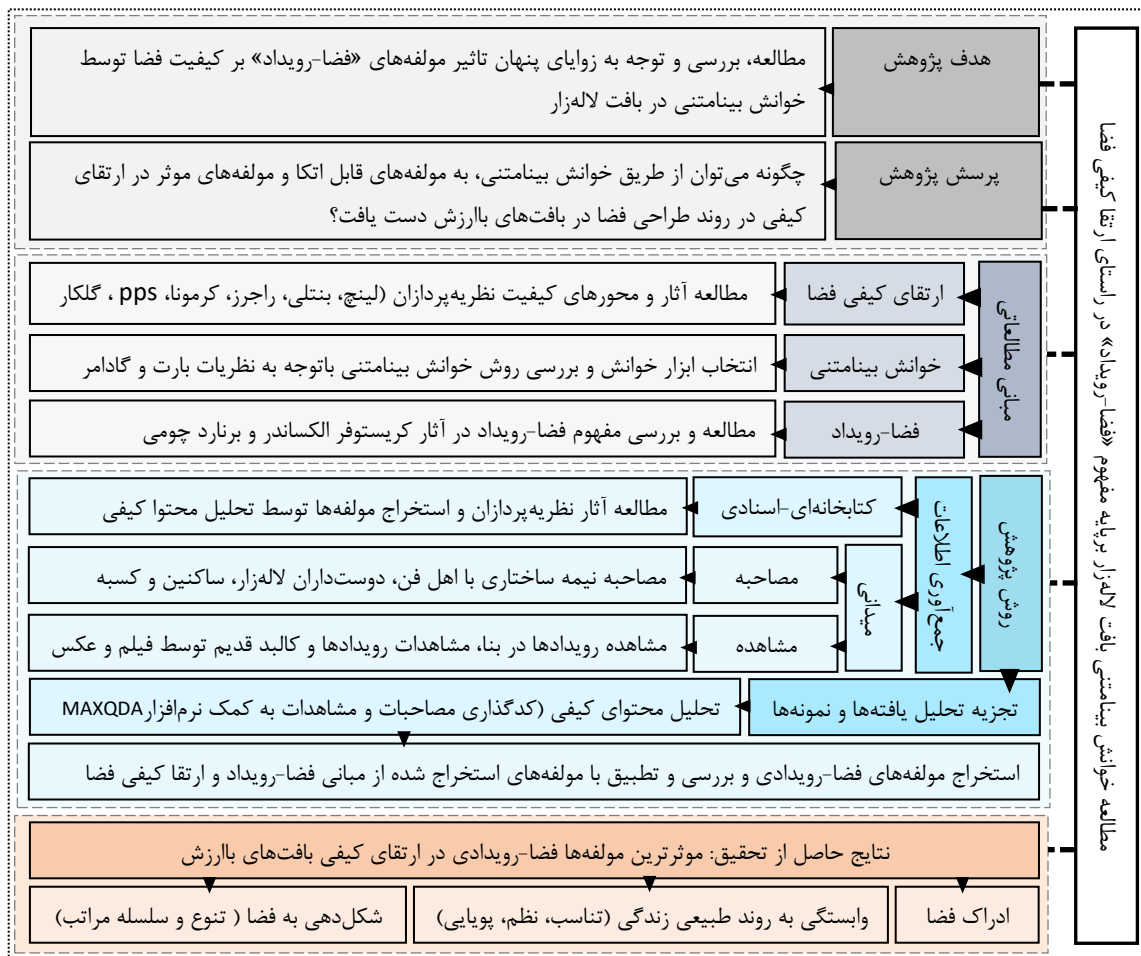
۱۳۹۴). در این باره گادامر با تاکید بر زبان و سنت هم چون زمینه تاویل، معتقد به گفت‌وگویی میان متن و خواننده، میان گذشته و حال است (موسوی، ۱۳۸۶) و معتقد است فهم اثر بر اساس تلفیق دیدگاه‌ها شکل می‌گیرد؛ تلفیقی که میان دیدگاه تاریخی اثر و فهم زمانه مفسر رخ می‌دهد (هولاب، ۱۴۰۰). در مشاهده یک اثر، دو نوع ارتباط ذهنی؛ یکی میان انسان و تاریخ؛ و دیگری میان انسان و اثر شکل می‌گیرند (Gadamer, 1981). گادامر در تلاش است به مخاطب آثار خویش بفهماند تفسیر فرآیندی تاریخی است و فهم در بستر سنت معنا می‌یابد. در واقع تفسیر واسطه‌ای میان گذشته و امروز است؛ از این رو یک متن تنها فهم مولف نیست بلکه فهم مفسر بیش از آن اهمیت دارد؛ بدین ترتیب یک متن یا اثر تنها در ارتباط میان مفسر و خود، معنای واقعی خویش را باز می‌یابد. گادامر همان قدر که بر گذشته تاکید دارد، زمان حال را نیز پیش چشم مخاطب نگاه می‌دارد، او می‌گوید همان طور که حال بدون گذشته بی‌هویت است، گذشته نیز بدون تفسیر و تاویل امروز غیر قابل شناخت می‌نماید (کوزنزهوی، ۱۳۸۵).

بارت در کتاب امپراتوری نشانه‌ها به روشنی می‌گوید: «شهر یک متن است» (بارت، ۵۵: ۱۴۰۰). از نظر وی هر شکل بیانی می‌تواند متن تلقی شود. او شهرسازی، نقاشی، عکاسی، سینما، تئاتر، معماری، موسیقی، گراور و بسیاری دیگر از جلوه‌ها یا شاخه‌های هنری را به عنوان متن مطالعه می‌کند (نامورمطلق، ۱۳۹۴). سوفی رابو هنگام بررسی و تشریح آرای ریفاتر در این باره می‌نویسد: «بینامتنیت برای وجود، نیازمند شناخته شدن به وسیله یک خواننده است» (Rabau, 2002, 162). گاهی خوانش‌ها بر اساس نسبتی که یک متن با بافت اجتماعی و تاریخی برقرار می‌کند، انجام می‌شوند (Gignoux, 2005, 41). ژنیو در مقاله‌ای با عنوان «از بینامتنیت تا نوشتار» اشاره می‌کند که: «بینامتنیت می‌تواند از یک خواننده به خواننده دیگر براساس فرهنگ و خوانش‌های پیشین خوانندگان متغیر باشد» (Gignoux, 2005, 3). این ویژگی باعث وجود خوانش‌های گوناگونی از یک متن واحد را می‌تواند ایجاد کند. خوانش بینامتنی بر رابطه متن‌ها و نه بر روابط میان عناصر متنی موجود در متن‌های متفاوت استوار است (نامورمطلق، ۱۳۹۴). بینامتنیت ویرایش دوم یک متن است، ویرایشی که محدود به بازنمایی‌های منطبق با حقیقت‌نمایی، یا یک زیبایی‌شناسی هماهنگ میان صورت و محتوا نیست (Riffaterre, 1988).

■ مفهوم فضا-رویداد

تعریف فضا به وسیله رویداد، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های عام رویداد است. تا زمانی که صفت یا ویژگی خاصی برای فضا ارائه نشده باشد، وجود آن بدون شکل و همگن است که نقطه عطفی برای هویت بخشیدن به آن ندارد (فلامکی، ۱۳۸۶). کریستوفر الکساندر هویت هر مکان را حاصل رویدادهای جاری در آن می‌داند و معتقد است زندگی تمام موجودات زنده، ساخته شده از رویداد است. یک بافت شهری با ساختمان‌ها و تزئینات خود حیات نمی‌یابد؛ بلکه این حیات تحت تاثیر کیفیت و وقوع رویدادهای جاری در آن است. در هر بافت شهری با توجه به فرهنگ خود الگوهای متفاوت رویداد وجود دارند و الگوهای رویدادی از مکانی که در آن اتفاق می‌افتند جدایی ناپذیرند. اگر در ساختار مکان تغییر ایجاد شود و بتوان تغییرات در رویدادها را پیش‌بینی نمود، می‌توان ساختار بعضی از الگوها را تداوم بخشید (الکساندر، ۱۳۹۶). در یک معماری، میان سیستم فرمال فضا و یک سیستم از رویدادها، پیوند علت و معلول برقرار می‌باشد و هماهنگی بین آن‌ها رابطه‌ای یک‌به‌یک است که میان فضا و رویداد، فرم و عملکرد، و یا دو سیستمی که جاذب یا دافع یکدیگر هستند، ایجاد می‌شود (چومی، ۱۳۹۹). «همیشه ارتباط تنگاتنگی در میان رویداد و ظرف فضایی وقوع آن برقرار است. فضا به دلیل تعامل بین سطوح مختلف آشکار می‌شود» (Amirian & Behbahani, 2017, 245).

به گفته چومی معماری باید نماینگر زمان خود باشد و با قوانین و چارچوب‌های مفروض، فراموش شده است. چومی معنای لذت معماری را تجربه روبه‌رویی فضا و جنبه‌های مفهومی تر آن می‌داند. از نظر وی، هیچ معماری بدون طرح، کنش و رویداد وجود ندارد و معماری ذاتا مستقل و یک فرم خالص و یک سبک نبوده است و نمی‌توان آن را به یک زمان کاهش داد. وقتی رویداد با فضا مندی صحیح همراه باشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یک معمار باید افزایش تلاقی بارزش رویدادها و فضاها را مدنظر داشته باشد (چومی، ۱۳۹۹). او معتقد است معماری به اندازه رویدادهای واقع‌شده در فضاها، امری مرتبط با خود آن فضا است. رویداد، مکان را شکل داده است و مکان، رویداد را شکل می‌دهد. این شرایط تفکیک‌ناپذیر، در تلاش‌های انسان برای دستیابی هم‌زمان به آن‌ها (رویداد به‌عنوان واسط میان زمان و فضا) مطرح می‌گردد (Tschumi, 2010). همچنین وی معماری را یک رویداد تجربی می‌داند که بر حس و تجربه فضا تمرکز دارد. همان‌طور که رولان بارت در «لذت متن» می‌گوید: «لذت به راحتی تسلیم تحلیل نمی‌شود»، بنابراین متن از قطعاتی تشکیل شده است که هرکدام آزادانه با دیگری مرتبط هستند. معماری لذت در جایی است که مفهوم و تجربه فضا به یک‌باره با هم منطبق می‌شوند، جایی که اجزای معماری به هم پیوسته و به‌خوبی یکپارچه شده‌اند (چومی، ۱۳۹۹). کالبد و فرم فضا، دارای قدرت اثرگذاری در رویدادهای آینده هستند که می‌توانند مسیر حرکت آینده ماجراهای خود را تغییر دهند. در نتیجه رویدادها به تعریف مکان‌ها و مکان‌ها به تعریف رویدادها می‌پردازند (Massey, 1995). در نمودار ۲، ساختار کلی پژوهش معرفی شده است.



نمودار ۲. ساختار کلی پژوهش (نگارندگان)

■ نمونه مطالعاتی؛ خیابان لاله‌زار

با رشد مدرنیته در ایران و ورود نمودهای آن از قبیل کافه‌ها، رستوران‌ها، سینماها، تئاترها و فروشگاه‌های برند معروف جهانی، نخستین جایی که این مظاهر تمدن غرب را در دل خود جای می‌داد خیابان لاله‌زار بود. به همین دلیل خیابان لاله‌زار به‌عنوان یکی از خاطره‌انگیزترین خیابان‌های مدرن شهر تهران است (شهری، ۱۳۸۳). شکل‌گیری برخی از عملکردها برای اولین بار در این خیابان اتفاق افتاد (حبیبیان و رحمان‌پور، ۱۳۹۴). بر اساس نقشه‌ای از نجم‌الملک، در سال ۱۲۷۰ ه.ش. (۱۸۹۱ م.) خیابانی به نام «خیابان لاله‌زار» در تهران ساخته می‌شود که نمونه‌ای از تجددگرایی به‌شمار می‌رود. این خیابان در جبهه غربی باغ لاله‌زار، حد فاصل بخش شمال شرقی میدان توپخانه تا دیوارهای شمالی شهر واقع شده بود (شهری، ۱۳۸۳؛ پولادوند، ۱۳۹۱). در اولین اقدامات پس از احداث این خیابان، با توجه به سنت کهن ایرانی، در دو سوی خیابان درخت کاشته می‌شود و جوی‌های آب در امتداد آن‌ها خودنمایی می‌کنند (حبیبی و اهری، ۱۳۸۷). در ضلع غربی خیابان لاله‌زار، خانه‌های خارجیان و وابستگان به دربار واقع شده بود (سیفی‌فمی تفرشی، ۱۳۸۸). به‌علت وجود چهار سفارت‌خانه مهم عثمانی، بریتانیا، آلمان و روسیه که در حوالی این خیابان قرار داشتند، مغازه‌های موجود در این خیابان اغلب متعلق به کالاها و خدمات لوکس و تجملی بودند. علاوه بر این با گسترش بازار مصرف داخلی و واردات اجناس خارجی، این خیابان کاربردهای جدیدی یافت. هم‌چنین نزدیکی این خیابان به ارگ سلطنتی و محله اعیان‌نشین عودلاجان را می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل این تغییرات دانست (حبیبیان و رحمان‌پور، ۱۳۹۴). لاله‌زار در دوران اوج خود از دو کاربری اصلی برخوردار بود راسته تجاری که تشریفاتی‌ترین و جذاب‌ترین کالاهای اروپایی عرضه می‌شد و در راسته دیگر، فضاهای تفریحی و فرهنگی شکل گرفته بودند (بهزادفر، ۱۳۹۲).

پس از پیدایش شرایط زندگی شبانه شهری و دمیدن این نیاز در زیر پوست شهر، تعارض اصلی در چگونگی گذران اوقات فراغت مردم شهر آغاز شد. بدین ترتیب مفهوم زمان و استفاده از زندگی در کشوری که با غروب آفتاب همه‌چیز در خاموشی به‌سر می‌برد، تغییر کرد (حبیبی و اهری، ۱۳۸۷). تا زمان شروع سلطنت رضاشاه، تنها خیابان نوگرایی ایران، خیابان لاله‌زار بود. در دوران شهردار تیمسار بوذرجمهری، «لاله‌زارنو» در امتداد شمالی «لاله‌زار» شکل می‌گیرد که از سر خیابان شاه‌آباد (خیابان جمهوری امروز) تا خیابان شاه‌رضا (خیابان انقلاب امروز) واقع گردیده است. در این دوره، معمارانی بنام که با جریانات فکری معماری آن روز جهان همسو بودند، در «لاله‌زار نو» شروع به ساخت بناهای ارزشمندی کردند که نماد معماری‌های مدرن جهان به‌شمار می‌رفت (ولی‌زاده ارجمند، ۱۳۸۷). در این دوران برای نخستین بار کافه‌نشینی در خیابان لاله‌زار رونق می‌یابد و حضور افراد سرشناسی چون صادق هدایت، صادق چوبک، مجتبی مینویی و بزرگ علوی کارکرد ویژه‌ای به این فضا بخشید (منصور رضایی و مدیری، ۱۳۹۳). با شروع دوره پهلوی دوم، لاله‌زار بیش از هر زمان دیگری شاهد پویایی است. در این دوره رونق گرفتن تئاترها، سینماها، فروشگاه‌های آلامد و کافه‌های روشنفکری، لاله‌زار را به مکانی برای رفت‌وآمد طبقه متوسط و روشنفکران، شاعران، نویسندگان، روزنامه‌نگاران و سایر هنرمندان تبدیل کرد و در نهایت لاله‌زار با قشر وسیع‌تری از جامعه پیوند برقرار می‌کند (اخوان لنگرودی، ۱۴۰۱). در دو دهه پایانی دوره پهلوی دوم، تهران از سمت شمال شهر توسعه می‌یابد و انتقال بسیاری از کاربری‌ها به مکان‌های تازه تاسیس شده سبب می‌گردد رونق لاله‌زار به تدریج رو به افول رود (پولادوند، ۱۳۹۱). با افزایش روزبه‌روز جمعیت، طبقه مرفه به سمت شمال شهر هدایت شد و واحدهای تجاری لوکس نیز در آن مناطق شکل گرفتند. لاله‌زاری که زمانی دغدغه فرهنگ و هنر داشت و محل رفت‌وآمد روشنفکران از فرنگ‌برگشته بود، کافه‌ها پذیرای نویسندگان و شاعران و روزنامه‌نگاران در آن خیابان بود، محل حضور اقشار ضعیف‌تر و مهاجرانی که به دنبال یافتن شغل در تهران هستند تبدیل گردید. نمایش‌های بدون کیفیت و بی‌ارزش هنری که به نمایش‌های

لاله‌زاری معروف شدند، موجب سرعت‌بخشیدن به افول اعتبار فرهنگی و هنری لاله‌زار گردیدند (پورزرگر و همکاران، ۱۳۹۹). پس از انقلاب، با کاهش این برنامه‌ها از خیابان لاله‌زار، همان رونق ظاهری و تفریحی این خیابان نیز از دست می‌رود (منشوری، ۱۳۸۵)، و این امر سبب می‌شود که تمامی تئاترها، سینماها، کافه‌ها و استودیوهای ضبط موسیقی در آن به تعطیلی کشانده شوند و کم‌کم موجودیت لاله‌زار رو به فراموشی می‌رود؛ لاله‌زار با آن شکوه و جلال پارسی خود، به دلیل سوء مدیریت کشوری و شهری در دوره‌های گوناگون تاریخی عمر خود، امروزه مملو از خرابه‌هایی ارزشمند، سرشار از اغتشاش بصری و پر از مکان‌های تجاری بی‌معناست (منصوررضایی و مدیری، ۱۳۹۳). بدین ترتیب از تمام زیبایی‌های لاله‌زار، تنها دو باغ اتحادیه و ناصرالملک باقی می‌مانند (حبیبیان و رحمان‌پور، ۱۳۹۴).

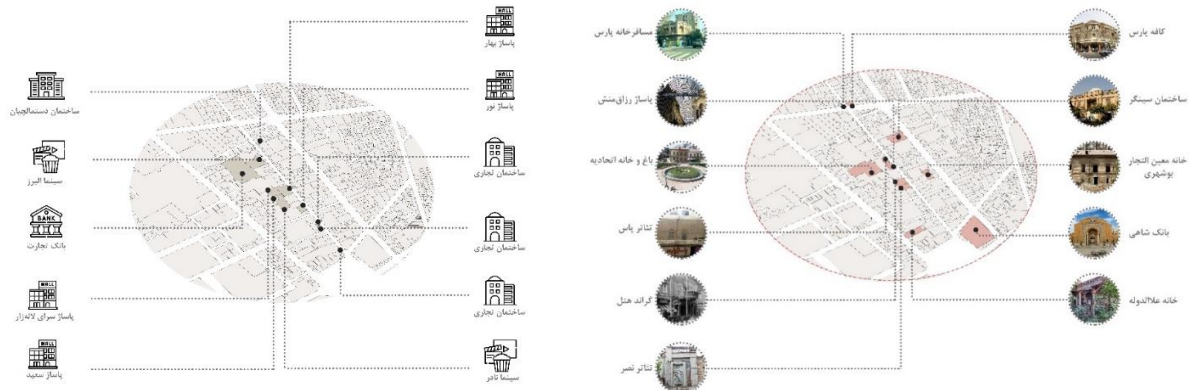
تداوم و استمرار حضور شاخص‌های اصلی هویت‌دهنده به یک مکان، در بازخوانی نحوه شکل‌گیری و بروز مولفه‌های هویتی آن قابل شناسایی هستند. از این‌رو می‌توان چنین استنباط نمود که عوامل هویت‌بخش کالبدی، طبیعی و اجتماعی استمرار یافته در فضای خیابان لاله‌زار، از بدو شکل‌گیری این فضا تا دوره‌های بعد تداوم یافته‌اند و همین امر موجب تثبیت هویت و تقویت شخصیت اصلی این خیابان شده بود. با حذف یا کمرنگ‌شدن برخی از این خصوصیات، اغلب از وضوح عناصر هویت‌دهنده به مکان کاسته می‌شود و در چنین حالتی مکان رنگ و بوی خصوصیات جدیدی را به خود می‌گیرد که می‌تواند در هماهنگی و یا تقابل با عناصر تشکیل‌دهنده هویت اولیه خود باشد و یا جایی در میانه این طیف قرار گیرد. در این صورت آهنگ تغییرات کالبدی و ماهیتی مکان می‌تواند تعیین‌کننده میزان انحراف یا عدم انطباق با هویت تداوم‌یافته باشد. خیابان لاله‌زار نیز که در ابتدا با هدف کارکرد غالب گردشگری و تفریحی هویت یافت، از دوره‌ای به بعد کارکرد کالبدی خود را به تدریج از دست داد و امروزه به جایی رسیده است که تقریباً هیچ نشانه‌ای از ماهیت و محتوای تاریخی اولیه آن وجود ندارد، لذا باید گفت هویت موجود این خیابان، با هویت تداوم‌یافته و غالب آن انطباق اندکی دارد. در صورتی که استمرار یا افزایش میزان انطباق عناصر هویتی امروز با عناصر مستمر تاریخی آن می‌توانست به تبیین هویتی مطلوب برای حال امروز آن منتهی گردد. با این حال خوشبختانه ردپای عناصر هویت‌دهنده اولیه به این مکان هرچند بسیار کمرنگ، اما هنوز هم باقی است و شاید همین رگه‌های تداوم‌یافته از گذشته، شاخص‌های مثبتی از هویت را به این مکان القا کرده‌اند (توکلی، ۱۳۸۸).

■ روش تحقیق

روش پژوهش این نوشتار کیفی و بر مبنای تفسیرگرایی انتخاب گردیده و برپایه استدلال منطقی مباحث استوار است. اولین قدم در گردآوری داده‌ها، استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. سپس، «مشاهده» که یکی از مهم‌ترین ابزار گردآوری داده در پژوهش کیفی به‌شمار می‌رود مورد استفاده قرار گرفته است. مشاهده شهر، مشاهده منطقه و محله، مشاهده بناهای معماری منجر به خوانش معماری و شهر می‌شوند. قرائت معماری منجر به درکی درست از فضا و سپس برداشت و نقدی درست می‌گردد (حیدری، ۱۳۹۷). موازی با مشاهده، مصاحبه نیز مورد استفاده قرار گرفته چرا که مطالعه رویدادهای جاری در فضا، در دوره‌های تاریخی قبل به‌صورت مستقیم امکان‌پذیر نبوده است. هم‌چنین در این راستا فیلم‌ها و عکس‌های موجود نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. عکس‌ها به‌عنوان مستندهای تاریخی شناخته می‌شوند چرا که در اعتبار آن‌ها شکی مطرح نیست (حیدری، ۱۳۹۷). روش تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای تحلیل محتوای کیفی است. از این روش در تفسیر ذهنی محتوای داده‌های متنی از طریق روند طبقه‌بندی منظم کدها، شناسایی تم‌ها یا الگوها استفاده می‌شود که تلاش برای معناسازی با هدف مطالعه حجم زیادی از داده‌های کیفی استقرار آن‌ها برای شناسایی همسازهای و معناهای درونی می‌پردازد (محمدپور، ۱۳۹۷). در روند تحلیل محتوا از دو

نرم افزار تحلیلی SPSS 22 و MAXQDA 2020 برای دقت بیشتر استفاده گردیده است. همچنین می توان جامعه مورد پژوهش را جدول ۴ مطالعه نمود (تصاویر ۱ و ۲).

تصویر ۱. موقعیت قرارگیری بناهای ثبت میراث فرهنگی (نگارندگان) تصویر ۲. موقعیت بناهای واجد ارزش (نگارندگان)



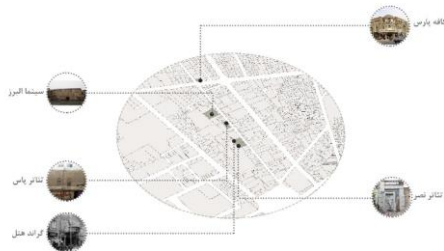
جدول ۴. معرفی جامعه هدف، جامعه آماری و جامعه مورد مطالعه (نگارندگان)

جامعه هدف	خوانش بینامتنی ساختمان های عمومی_ تاریخی منطقه ۱۲ شهر تهران
جامعه آماری	کلیه ساختمان های عمومی_ تاریخی در خیابان لاله زار
جامعه مورد مطالعه	خوانش بینامتنی ساختمان هایی دارای عملکرد یا ویژگی شاخص

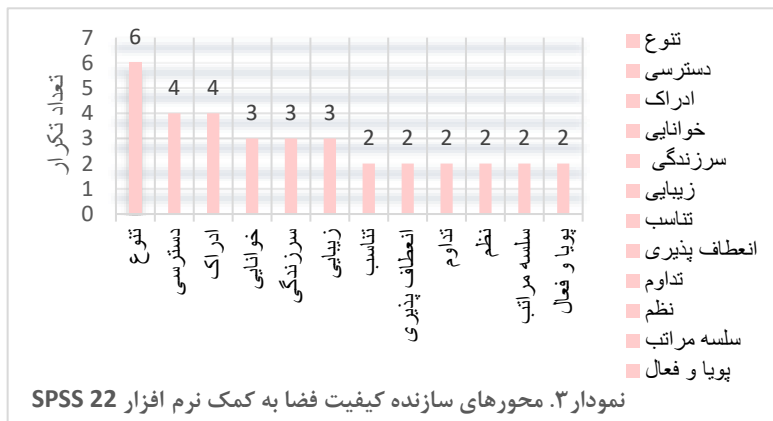
روش نمونه گیری در این پژوهش، نمونه گیری هدفمند است. معمولاً تکنیک های نمونه گیری هدفمند در روش های کیفی استفاده می شوند که آن را؛ گزینش واحدهایی خاص مبتنی بر اهداف خاص مرتبط با پاسخ به سوال های خاص تحقیق (Maxwell, 1997) تعریف می نمایند. بناهای شاخص موجود در خیابان لاله زار در بازه زمانی دو ساله مورد توجه نگارندگان واقع گردیدند و فضا رویدادهای جاری در این بناها مورد مطالعه، بررسی و تحلیل قرار گرفتند. برای مطالعات بیشتر و دقیق تر در این حوزه، پنج بنای شاخص به طور خاص مورد مطالعه قرار گرفته اند که پارامترهای موثر در انتخاب بناها در جدول ۵ نمایش داده شده اند.

جدول ۵. معرفی پارامترهای موثر در روش نمونه گیری هدفمند (نگارندگان)

ردیف	پارامترهای موثر در انتخاب بنا	تئاتر نصر	گراند هتل	تئاتر پارس	کافه پارس	سینما البرز
۱	دارای عملکرد عمومی، فرهنگی و یا تفریحی	●	●	●	●	●
۲	زمینه ساز تاریخ یا فرهنگ خاص در طول یک زمان	●	●	-	●	○
۳	داراری عملکرد یا رویداد خاصی در طول زمان	●	●	●	●	●
۴	نزد مردم عامه و عرف مورد احترام و یا توجه خاص	●	○	○	-	○
۵	دارای کالبد باقیمانده	●	●	●	●	●
۶	دارای مدياهای مختلف	●	●	●	●	●



تصویر ۳. موقعیت بناهای مطالعاتی پژوهش (نگارندگان)



تحلیل یافته‌ها

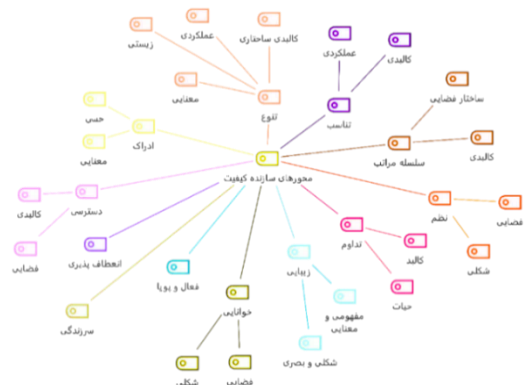
باتوجه به مطالب ذکرشده در این پژوهش، در مرحله اول محورهای ارتقای کیفیت فضا مورد بررسی قرار گرفتند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد؛ از بین تمامی محورهای این حوزه، مواردی که از جنبه‌های کالبدی، ساختاری، عملکردی و هر آن‌چیزی که مابه‌ازای طراحی معماری و شهری (فضا-رویدادی) داشته‌اند، برای بررسی و تحلیل

در نمونه‌های موردی انتخاب گردیدند. سپس باتوجه به اشتراکات مولفه‌ها و فراوانی آن‌ها بین نظریه‌پردازان، ۱۲ مورد به‌صورت خاص مطرح شدند که در این روند از نرم‌افزار تحلیلی SPSS 22 برای دقت بیشتر استفاده شد. مولفه «تنوع» با شش تکرار به‌عنوان بیشترین سهم تکرار، مولفه‌های «دسترسی» و «ادراک» با چهار تکرار، «خوانایی»، «سرزندگی» و

«زیبایی» با سه تکرار و «تناسبات»، «انعطاف‌پذیری»، «تداوم»، «نظم»، «سلسله‌مراتب» و «پویایی» با تعداد دو تکرار با کمترین سهم تکرار انتخاب گردیدند (نمودار ۳). سپس با توجه به مشاهده‌ها و مصاحبه‌های نگارندگان با اهل فن ریزمعیارهایی برای بررسی و تحلیل در نمونه‌ها انتخاب شدند. در این راستا در طی تحلیل‌ها مجدداً ریزمعیارها مورد بازبینی قرار گرفتند و نهایتاً این ریزمعیارها در ۱۲ محور ارتقای کیفی فضا در جدول ۶ ارائه شده‌اند.

جدول ۶. محورهای منتخب ارتقای کیفیت فضا (نگارندگان)

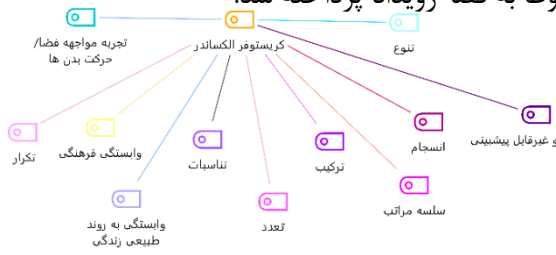
ردیف	محور سازنده کیفیت	معیارهای مورد بررسی در هر محور	ردیف	محور سازنده کیفیت	معیارهای مورد بررسی در هر محور
۱	تنوع	کالبدی-ساختاری	۷	زیبایی	شکلی و بصری
		عملکردی			مفهومی و معنایی
		زیستی			
۲	ادراک	حسی	۸	تناسب	کالبدی
		معنایی			عملکردی (سازگاری فعالیت)
۳	دسترسی	کالبدی	۹	تداوم	حیات
		فضایی			کالبد
۴	انعطاف‌پذیری	-	۱۰	نظم	شکلی
					فضایی
۵	خوانایی	شکلی	۱۱	سلسله‌مراتب	کالبدی
		فضایی			ساختار فضایی
۶	سرزندگی	-	۱۲	فعال و پویا	-



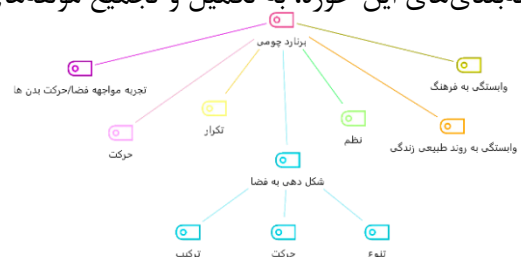
نمودار ۴. تحلیل محوره‌ای سازنده کیفیت فضا
به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)

در مرحله بعد، آرا و نظریات کریستوفر الکساندر و برنارد چومی (به دلیل تمرکز هریک از این نظریه‌پردازان بر مفهوم «فضا-رویداد» و ارتباط فضا با رویداد مورد) مورد مطالعه دقیق قرار گرفتند و سپس با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مولفه‌هایی به صورت کدبندی از آثار و نظریاتشان استخراج گردیدند. برای بررسی در حوزه معماری این کدبندی در دو سطح انجام گرفت. سپس برای تدقیق و مملوس نمودن مولفه‌ها از نرم‌افزار MAXQDA 2020 استفاده شد (نمودار ۴). بدین ترتیب مفاهیم «ادراک فضا»، «تکرار»، «حرکت»، «شکل دهی به فضا»، «نظم»، «وابستگی به روند طبیعی

زندگی» و «وابستگی فرهنگی» از آثار برنارد چومی (نمودار ۵)، و «تنوع»، «پهچیدگی و غیرقابل پیش‌بینی»، «انسجام»، «سلسله‌مراتب»، «ترکیب»، «تعدد»، «تناسبات»، «وابستگی به روند طبیعی زندگی»، «وابستگی فرهنگی»، «تکرار» و «ادراک فضا» از آثار کریستوفر الکساندر (نمودار ۶) استخراج گردیدند. در ادامه علاوه بر مقایسه با دیگر نظریات و دسته‌بندی‌های این حوزه، به تکمیل و تجمیع مولفه‌های مربوط به فضا-رویداد پرداخته شد.



نمودار ۶. کدبندی و تحلیل مولفه‌های فضا-رویداد از نظر الکساندر
به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)



نمودار ۵. کدبندی و تحلیل مفاهیم فضا-رویداد از نظر چومی
به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)

در نهایت بعد از مقایسه و تجمیع مفاهیم فضا-رویداد پارامترهای جدول ۷ به عنوان مولفه‌های مورد مطالعه به کمک نرم‌افزار MAXQDA انتخاب شدند. در این راستا برای تحلیل و بررسی ریزمعیارها در هر مولفه، به مصاحبه با اهل فن نیز پرداخته شد (نمودار ۷). قابل ذکر است برای تدقیق در انتخاب مولفه‌ها، تمامی آن‌ها علاوه بر کدبندی در آرا و نظریات نظریه‌پردازان، به صورت موازی در مصاحبه‌ها و مشاهدات نیز مطالعه گردیده‌اند. سپس تمامی مولفه‌ها و محورهای جدول‌های ۶ و ۷ به صورت کدبندی در مصاحبه‌ها و مشاهدات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند و در این میان مجددا ریزمعیارها بررسی گردیدند. حال پس از معرفی مختصر از بناهای منتخب با ارزش بافت لاله‌زار و مشاهده شناسنامه تهیه‌شده (جدول ۸-۱۲)، به تحلیل و بررسی آن‌ها پرداخته شده است که در نهایت نمودارهای تحلیلی و کدبندی‌های مستخرج از مصاحبه‌ها و مشاهدات توسط نرم‌افزار MAXQDA قابل رویت هستند (نمودارهای ۷ تا ۱۴).

نمودار ۷. کدبندی و تحلیل مولفه‌های فضا-رویداد
به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)

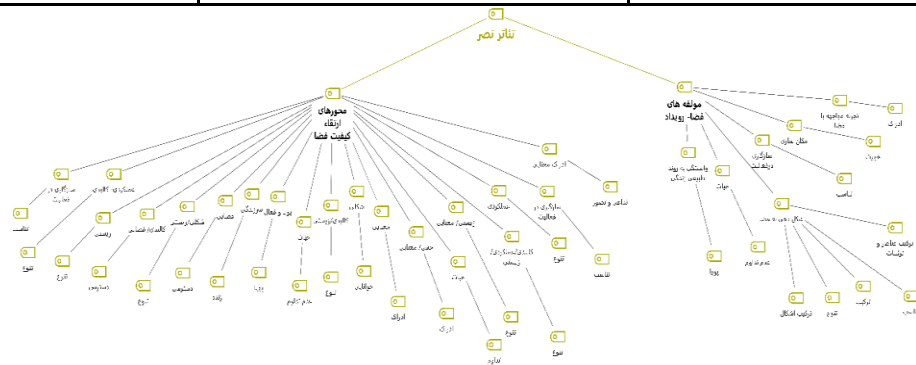
شده است که در نهایت نمودارهای تحلیلی و کدبندی‌های مستخرج از مصاحبه‌ها و مشاهدات توسط نرم‌افزار

■ نمونه مطالعاتی ۲: بنای تئاتر نصر

مکان استقرار آن در خیابانی است که بخشی از تحولات پایتخت از نظر معماری، فضای شهری و امکانات نوین در آن شکل گرفته است. تئاتر نصر در ابتدای خیابان شمالی جنوبی لاله زار قرار دارد و کاربری غالب آن تجاری است. در قدیم این بنا جزئی از بنای اصلی گراند هتل و از مالکیت یکسانی برخوردار بوده‌اند و در حال حاضر در همسایگی ساختمان گراند هتل است. صاحب گراند هتل در سال ۱۲۹۵ ه.ش. به طور رسمی آمادگی این هتل برای پذیرا شدن اجرای نمایش را اعلام نمود. با توجه به جو فرهنگی آن زمان، این سالن مدتی برای کنسرت و سخنرانی مورد استفاده قرار می‌گرفت و پس از عصر مشروطه نمایش‌هایی نیز در آن اجرا گردیدند. این تالار با ظرفیت ۴۰۰ نفر در سال ۱۲۹۵ ه.ش. برای اجرای نمایش شروع به کار کرد. نمایش تئاتر به مدت ۱۳ سال در گراند هتل ادامه یافت تا این که با ورود فیلم و سینما به ایران، در حوالی سال ۱۳۰۷ ه.ش. نمایش تئاتر جای خود را به نمایش فیلم داد و نام این تالار نیز به گراند سینما تغییر یافت. این تالار که در ضلع جنوبی گراند هتل واقع شده یکی از قدیمی‌ترین بناهای نمایشی ایران است، علاوه بر ارزش فرهنگی و ارزش معماری، بخش مهمی از تاریخچه نمایش مدرن ایران را در تاریخچه خود نهادینه نموده است. این سالن در دوره نمایش فیلم از عناوین مختلفی از جمله سینما پلاس، سینما خورشید، سینما پاته و گراند سینما بهره برده است (شافعی، ۱۳۹۹).

جدول ۹. شناسنامه بنای تئاتر نصر (نگارندگان)

نام بنا: تئاتر نصر	محل بنا: خیابان لاله زار/ جنب گراند هتل	
	نام فعلی (در صورت تغییر): سالن گراند هتل	مالکیت اثر: دولتی
توضیح کلی: یکی از اولین سالن‌های تئاتر ایران که در اواخر دوره قاجار ساخته شده است. این بنا دارای سالن بیضی شکل با غرفه‌هایی بوده است که تماشاگران در آن، سه یا چهار نفری فیلم می‌دیدند.	مالک فعلی: سازمان زیباسازی شهر تهران	
واجد ارزش: تاریخی، فرهنگی، کاربری	کاربری اولیه: فرهنگی	
دوره ساخت اثر: پهلوی اول	کاربری فعلی: فرهنگی	
سبک معماری: پیش از مدرن	ویژگی‌های ساختاری: استفاده از دیوار حمال آجری و آهن	
تعداد طبقات: چهار طبقه	نوع پوشش سقف: تخت	
	مصالح استفاده شده: آهن، آجر، گچ، سیمان، چوب	
	تزئینات: گچ‌بری، نقاشی، آینه کاری	



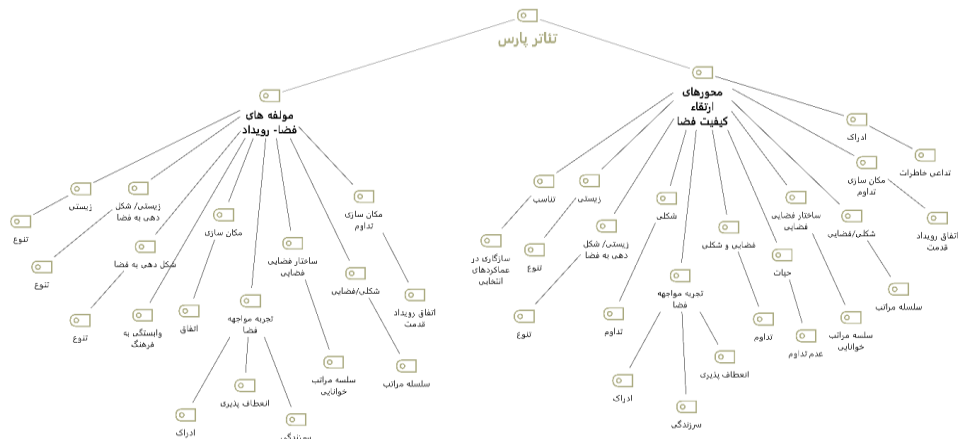
نمودار ۹. کدبندی و تحلیل بنای تئاتر نصر به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)

نمونه مطالعاتی ۳: بنای تئاتر پارس

تئاتر فرهنگ توسط عبدالحسین نوشین (۱۳۵۰-۱۲۸۵ ه.ش.) و سرمایه‌گذاری وثیقی، هانفی و جعفری پدید آمد. در بالاخانه تئاتر پارس فعلی یک پاساژ بود که بعد از تخریب برای آن سقف زدند و سالن مجهز تئاتر را افتتاح نمودند که تا سال ۱۳۳۲ ه.ش.، قبل از به آتش کشیدنش در جریان کودتای ۲۸ مرداد، به فعالیت خود ادامه داد. بعد از بازسازی از مساحت آن کاسته شد و به نام تئاتر پارس معرفی گردید. کالبد کلی در این تالار به صورت دست‌نخورده مثل همان دهه‌های قبل باقی مانده است اما با توجه به نوع ساخت و عدم مرمت، به شدت دچار فرسایش شده است. این تالار از یک سالن اصلی با ظرفیت ۳۰۰ نفر و از یک بالکن با ظرفیت ۵۰ نفر بنا گردیده است. دهنه صحنه ۱۰٫۶۰ متر، عمق دهنه صحنه از جلوی آوانسن ۷٫۵۰ متر و ارتفاع دهنه صحنه نیز ۵ متر است. کف سن صحنه در این سالن از جنس سیمان بوده و دارای پرده نمایش آبی‌رنگ است. هنوز بقای صندلی‌هایی از جنس چرم و به رنگ مشکی در این سالن به چشم می‌خورد. تئاتر پارس مجهز به یک سالن انتظار و یک بوفه به همراه دو اتاق گریم برای خانم‌ها و آقایان است (حبیبیان و آقاحسینی، ۱۳۸۹).

جدول ۱۰. شناسنامه بنای تئاتر پارس (نگارندگان)

	نام بنا: تئاتر پارس	محل بنا: خیابان لاله‌زار/ نبش کوچه اتحادیه/ پلاک ۲۵۱
	نام فعلی (در صورت تغییر): پاساژ پارس	مالکیت اثر: خصوصی
	توضیح کلی: بنای این تئاتر ساختمانی سه طبقه است که طبقه اول آن متعلق به پاساژ و دیگر طبقات متعلق به تئاتر است. از این مجموعه می‌توان به عنوان یکی از قدیمی‌ترین سالن‌های نمایش در تهران نام برد.	مالک اولیه: کنل علی‌نقی وزیر
	واجد ارزش: تاریخی، فرهنگی، کاربری	مالک فعلی: شخص
	دوره ساخت اثر: مدرن	کاربری اولیه: فرهنگی-تجاری
	سبک معماری: در بعضی متون به سبک تهرانی اشاره شده است.	کاربری فعلی: فرهنگی-تجاری
تعداد طبقات: سه طبقه	ویژگی‌های ساختاری: استفاده از دیوار حمال آجری و آهن	مصالح استفاده‌شده: سنگ، آجر، کاشی، سیمان، چوب، ورقه فلزی
	نوع پوشش سقف: تخت و شیبدار	تزئینات: کاشی کاری



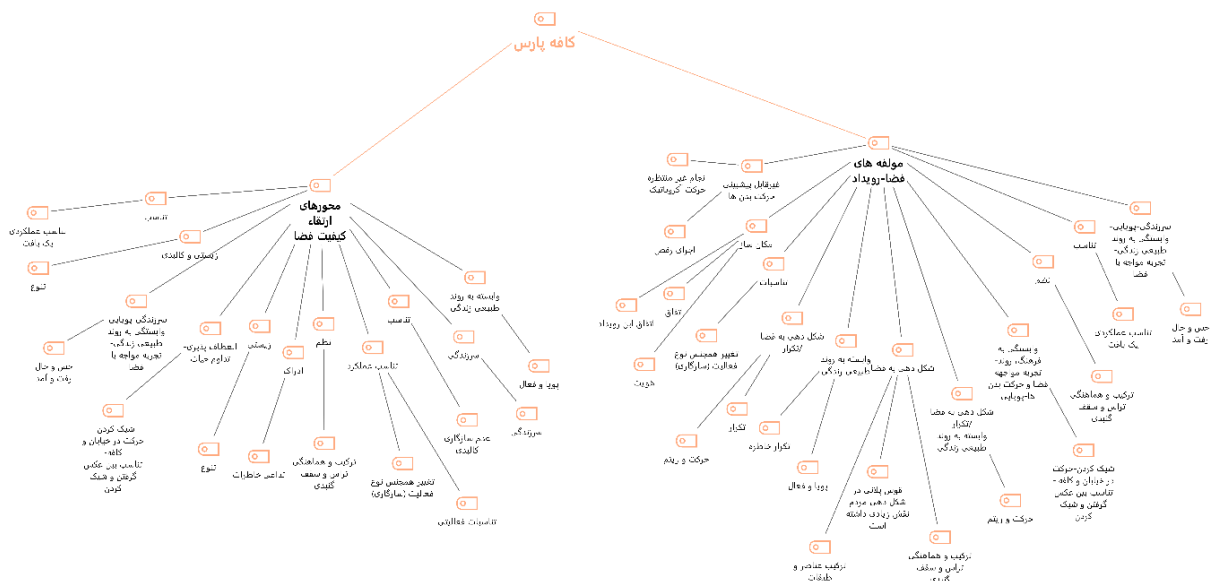
نمودار ۱۰. کدبندی و تحلیل بنای تئاتر پارس به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)

نمونه مطالعاتی ۴؛ بنای کافه پارس

کافه پارس در گوشه شمال شرقی خیابان لاله زارنو و خیابان جمهوری اسلامی قرار دارد. این ساختمان در دهه ۱۳۰۰ ه.ش. بنا شده است و به عنوان نخستین کافه ایرانی با سبک اروپایی معروف است. در اواخر دوران پهلوی اول طبقه‌ای دیگر بر این بنا افزوده شد. این بنا در طبقه دوم از یک کلاه‌فرنگی با سقفی مدور و ستون‌های متعدد گچی برخوردار است. امروزه طبقه همکف و زیرزمین این بنا در اختیار یک فروشگاه پوشاک است و طبقه اول این بنا به یک کارگاه تریکوبافی تبدیل شده است همچنین طبقه دوم که روزگاری به عنوان هتل کاربرد داشت، فراموش شده و بلااستفاده مانده است. فضای داخلی این عمارت به گونه‌ای طراحی شده است که چشم‌اندازی کامل به خیابان لاله‌زار و جمهوری فراهم آورد. در متون مختلف طراح این بنا، نیکلای مارکوف (۱۹۵۲-۱۸۸۲ میلادی) معرفی گردیده است. (ابری، ۱۳۸۷)

جدول ۱۱. شناسنامه بنای کافه پارس (نگارندگان)

نام بنا: کافه پارس	محل بنا: خیابان لاله‌زار/ نبش خیابان جمهوری / پلاک ۳۳۳	
	نام فعلی (در صورت تغییر): کافه پارس	مالکیت اثر: خصوصی
توضیح کلی: از کافه پارس به عنوان اولین کافه و رستوران مدرن در ایران یاد می‌شود که در محل سفارت اسبق اتریش ساخته شده است. در ابتدا دارای دو طبقه بوده و در دهه ۱۳۳۰ ه.ش. طبقه سوم به آن اضافه گردیده است.	مالک فعلی: چند مالکیتی	کاربری اولیه: کافه
واجد ارزش: تاریخی، فرهنگی، کاربری	کاربری فعلی: خدماتی-تجاری	ویژگی‌های ساختاری: استفاده از دیوار حمال آجری و آهن
دوره ساخت اثر: پهلوی اول	نوع پوشش سقف: تخت، قوس‌دار	مصالح استفاده‌شده: آجر، سنگ، آهن، چوب
سبک معماری: پیش از مدرن	تعداد طبقات: سه طبقه	تزئینات: گچ‌بری، آجرکاری، مقرنس




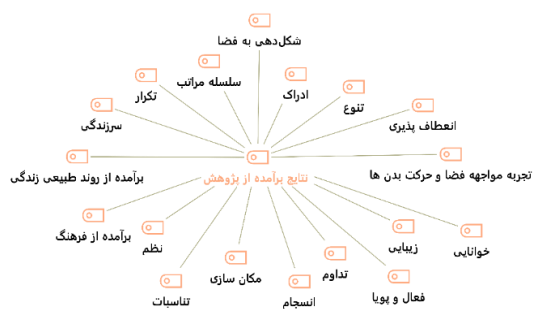
نمودار ۱۱. کدبندی و تحلیل بنا کافه پارس به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)

نمونه مطالعاتی ۵؛ بنای سینما البرز

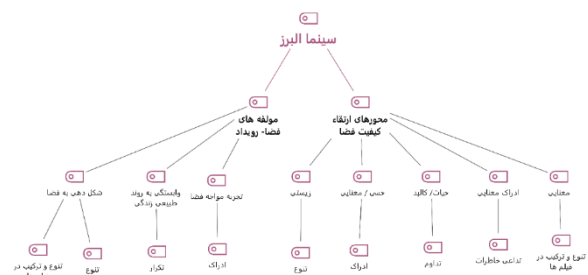
بنایی که از سال ۱۳۱۹ ه.ش. تاکنون به نام سینما البرز معروف است، همان بنایی است که در سال ۱۳۰۶ ه.ش. و در محل سابق کافه اوگائف ساخته شد و مردم آن را با نام سینما ایران می‌شناختند. در سال ۱۳۰۹ ه.ش. ساختمان تئاتری در آن بنا گردیده است. پس از تعطیلی این تئاتر، شرکت سهامی سینما ایران مدیریت و تجهیز سالن آن را به دست می‌گیرد و پس از نصب تجهیزات و تزئینات لازم، آن را در سال ۱۳۱۹ ه.ش. با نام جدید سینما البرز بازگشایی می‌کند. این بنا در قالب یک ساختمان دو طبقه با مساحت تقریبی ۴۷۰ مترمربع و ظرفیت حدوداً ۸۳۰ نفر ساخته شده است. به دلیل عدم استقبال و در پی تعطیلی این سینما در سال ۱۳۸۱ ه.ش.، کل صندلی‌های آن فروخته شدند تا فضای سالن قابلیت استفاده به عنوان انبار کالا را داشته باشد. بنای سینما البرز یک ساختمان دو طبقه است و تابلویی زردرنگ و بزرگ با نوشته «سینما البرز» هنوز هم بر سر کوچه و ورودی آن خودنمایی می‌کند. هر طبقه از یک سالن مجزا برخوردار است. این بنا از نظر معماری عناصر خاصی را به نمایش نمی‌گذارد و بیشتر به دلیل قدمت و تعلق به عصر تاریخی سینمای مدرن ایران ارزش گذاری می‌گردد. سینما البرز برخلاف دیگر سینماهای خیابان لاله‌زار از حیاط نسبتاً بزرگی برخوردار است که به عنوان پارکینگ سینما مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این حیاط پس از تعطیلی، امروزه کاملاً بی‌استفاده مانده است.

جدول ۱۲. شناسنامه بنای سینما البرز (نگارندگان)

	نام بنا: سینما البرز	محل بنا: خیابان لاله‌زار
	نام فعلی (در صورت تغییر): سینما ایران	مالکیت اثر: خصوصی
	توضیح کلی: سینما البرز به یکی از بزرگترین و ماندگارترین سینماهای لاله‌زار معروف است که در سال ۱۳۱۹ با ظرفیت ۸۳۰ صندلی شروع به فعالیت نمود.	مالک اولیه: خادم
	واجد ارزش: تاریخی، فرهنگی، کاربری	مالک فعلی: نامشخص
	دوره ساخت اثر: پهلوی اول	کاربری اولیه: فرهنگی
		کاربری فعلی: فرهنگی
سبک معماری: پیش از مدرن	ویژگی‌های ساختاری: استفاده از دیوار حمل آجری و آهن	مصالح استفاده‌شده: آهن، آجر، گچ، سیمان، چوب
تعداد طبقات: دو طبقه	نوع پوشش سقف: قوس‌دار	تزئینات: گچ‌بری، آینه کاری

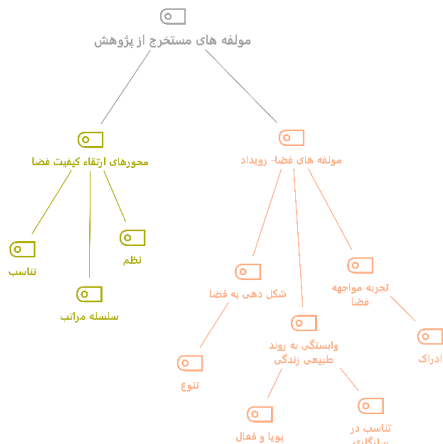


نمودار ۱۳. کدبندی و تحلیل نتایج برآمده از پژوهش به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)



نمودار ۱۲. کدبندی و تحلیل بنای سینما البرز به کمک نرم‌افزار MAXQDA (نگارندگان)

نتیجه‌گیری



نمودار ۱۴. کدبندی و تحلیل پرتکرارترین مؤلفه‌ها به کمک نرم‌افزار MAXQDA

هدف از این نوشتار؛ مطالعه، بررسی و توجه به زوایای پنهان تاثیر مؤلفه‌های «فضا-رویداد» بر کیفیت فضا توسط خوانش بینامتنی در بافت لاله‌زار می‌باشد که در ارتقای کیفی فضا از نقش قابل توجهی برخوردار هستند. امروزه یافتن مؤلفه‌های معمارانه‌ای (فضا-رویدادی) که می‌توانند ارتقای کیفی متن موجود را در پی داشته باشند، یکی از چالش‌های طراحی معاصر است. یافته‌های پژوهش نشان دادند که «ادراک فضا»، «وابسته‌بودن به روند طبیعی زندگی (تناسب، نظم، پویایی)»، «شکل‌دهی به فضا (تنوع و سلسله‌مراتب)» به‌عنوان تاثیرگذارترین و پرتکرارترین مؤلفه‌های فضا-رویداد مطرح گردیدند که توجه به آن‌ها در حین طراحی باعث خلق فضاهایی متناسب با نیازهای انسان معاصر در بافت‌های باارزش

تاریخی خواهد شد. در مرحله اول به بررسی محورهای ارتقا کیفی فضا پرداخته شد تا بتوان محورهایی که از جنبه فضا-رویدادی برخوردارند، شناسایی شوند. سپس توصیف مفهوم فضا-رویداد از نظر الکساندر و چومی ارائه شد که توسط تحلیل محتوای کیفی و به‌کمک کدبندی نظریاتشان، مؤلفه‌های مربوط به فضا-رویداد برای مطالعه و بررسی در نمونه‌های موردی استخراج گردیدند. در پنج بنای مطالعاتی، مؤلفه‌های فضا-رویداد و محورهای ارتقای کیفی فضا بررسی و تحلیل شدند که در نهایت نقاط اشتراک و تعداد تکرارها بیان‌کننده تاثیر یافته‌های ذکر شده در این پژوهش می‌باشند. همچنین چارچوب ارائه‌شده در پژوهش حاضر برای مطالعه و خوانش بافت‌های باارزش دیگر در حوزه معماری و شهرسازی می‌تواند انجام پذیرد و در این راستا کمک ویژه‌ای برای شناسایی نقاط قوت و ضعف به معماران و طراحان شهری برای ارتقای کیفی فضا، حفظ و باززنده‌سازی بافت‌های باارزش نماید؛ چراکه مؤلفه‌های فضا-رویدادی در تعامل با نیازهای رومزه آدمی می‌باشند.

پی‌نوشت

1-Mikhail Bakhtin/ 2-Julia Kristeva/ 3- Piegay-Gros/ 4-Sophie Rabau/ 5-Roland Barthes/ 6-Laurent Jenny/ 7-Michael Riffaterre/ 8-G rard Genette / 9-Intertextuality/ 10-Paratextuality/ 11-Metatextuality/ 12-Architextuality/ 13-Hypertextuality/ 14- Albert Einstein/ 15-Christian Norberg-Schulz/ 16-Edward Casey/ 17-Elizabeth Grosz/ 18-Transformation/ 19-Refiguring / 20-Linear/ 21-Successive/ 22-Cyclical/ 23-Recurrent/ 24-Indeterminate/ 25-Unfolding/ 26-Multiplying/ 27-Complex/ 28-Heterogeneous/ 29-Kevin Andrew Lynch/ 30- Ian Bentley/ 31-Richard Rogers/ 32- Matthew Carmona/ 33- www.pps.com/ 34- Saimon Bell/ 35- Hans-Georg Gadamer.

فهرست منابع

- ابری، بهنام. (۱۳۸۷). *کافه پارس: نیکلای مارکف*. مجله معمار، ۵۳، ۲۲-۲۳.
- اخوان لنگرودی، مهدی. (۱۴۰۱). *از کافه نادری تا کافه فیروز*. تهران: مروارید.
- الکساندر، کریستوفر. (۱۳۹۶). *معماری و راز جاودانگی: راه بی‌زمان ساختن*. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: روزنه. (۱۹۷۹).
- اوژه، مارک. (۱۹۹۲). *نامکان‌ها: درآمد بر انسان‌شناسی سوپرمدرنیته*. ترجمه: منوچهر فرهومند. (۱۳۸۷). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

- امیریان، فاطمه و ایرانی بهبهانی، هما و سلطانزاده، حسین. (۱۳۹۶). *شناسایی مولفه‌های موثر در شکل‌گیری رویدادهای زندگی‌بخش و چگونگی تبلور آن‌ها در فضای زیسته*. نشریه باغ نظر، ۱۴ (۴۷)، ۴۷۵-۴۹۲.
- بارت، رولان. (۱۴۰۰). *امپراتوری نشانه‌ها*. ترجمه: ناصر فکوهی. تهران: نی. (۱۹۷۰).
- بهزادفر، مصطفی. (۱۳۹۲). *هویت شهر: نگاهی به هویت شهر تهران*. تهران: موسسه شهر.
- پاکزاد، جهان‌شاه. (۱۳۹۳). *راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران تهران*. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی.
- پورزرگر، محمدرضا و عابدینی، حامد و اعتمادی، علی. (۱۳۹۹). *نقش آفرینی مولفه "خیابان" بر روند تجددگرایی و توسعه تهران نمونه موردی خیابان لاله‌زار*. نشریه باغ نظر، ۱۷ (۹۱)، ۵-۱۶.
- پورجعفر، محمدرضا و صادقی، علیرضا. (۱۳۸۸). *خوانش تاثیر سازمان‌دهی محورهای بصری بر ارتقای کیفیت محیط فضاهای عمومی شهری نمونه موردی: خیابان آزادی تهران*. دوفصلنامه مدیریت شهری، (۲۴)، ۶۵-۸۰.
- پولادوند، محمدرضا. (۱۳۹۱). *سی سال محکومیت لاله‌زار*. تهران: جمهوری.
- تودوروف، تزان. (۱۳۹۸). *منطق گفتگویی: میخائیل باختین*. ترجمه: داریوش کریمی. تهران: مرکز.
- توکلی، علیرضا. (۱۳۸۸). *بررسی شاخص‌های تداوم‌یافته در تبیین هویت فضاهای خیابان لاله‌زار تهران*. نشریه معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۲ (۳)، ۷۰-۷۷.
- چومی، برنارد. (۱۳۹۹). *معماری و انفصال*. ترجمه: حسام عشقی صنعتی و مرتضی نیک‌فطرت. تهران: فکرنو. (۱۹۹۶).
- حبیبی، سید محسن و اهری، زهرا. (۱۳۸۷). *لاله‌زار عرصه تفرج: از باغ تا خیابان شکل‌گیری خیابان به‌سبک اروپایی در دوره ناصرالدین شاه*. نشریه هنرهای زیبا، (۳۴)، ۵-۱۵.
- حبیبیان، ناصر و آقاحسینی، محیا. (۱۳۸۹). *تماشاخانه‌های تهران از ۱۳۴۷ تا ۱۳۸۶*. تهران: افروز.
- حیدری، شاهین. (۱۳۹۷). *درآمدی بر روش تحقیق در معماری*. تهران: فکرنو.
- راسل، برتراند. (۱۳۹۹). *جهان بینی علمی*. ترجمه: حسن منصور. تهران: آگاه.
- سیفی‌فمی‌تفرشی، مرتضی. (۱۳۸۸). *تهران در آئینه زمان*. تهران: اقبال.
- شافعی، بیژن. (۱۳۹۹). *گراند هتل، تئاتر نصر*. فصلنامه معماری و ساختمان، ۶۳، ۳۸-۴۳.
- شافعی، بیژن. (۱۳۸۷). *گراند هتل، تئاتر نصر*. مجله معمار، ۵۳، ۲۸-۳۴.
- شهری، جعفر. (۱۳۸۳). *طهران قدیم*. تهران: معین.
- عمید، حسن. (۱۳۹۳). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۹۳). *ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری*. تهران: فضا.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۰). *مولفه‌های سازنده کیفیت در طراحی شهری*. نشریه صفا، ۳۲، ۳۸-۶۵.
- لاندی، چالرز. (۱۳۹۴). *شهر خلاق*. ترجمه: محمود عبدالله‌زاده. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی. (۲۰۰۸).
- کوزنز‌هوی، دیوید. (۱۳۸۵). *حلقه انتقادی*. ترجمه: مراد فرهادپور. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- لوسی اسمیت، ادوارد. (۱۴۰۱). *مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم*. ترجمه: علیرضا سمیع‌آذر. تهران: نظر. (۲۰۰۲).
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۸۷). *بینامتنیت و ژولیا کریستوا: تولد و آغاز یک ماجرا*. (فرهاد ساسانی). مقالات سومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر. سومین هم‌اندیشی نشانه‌شناسی هنر تهران در تهران. زمستان ۱۳۸۷. (ص ۱۷۵-۱۹۲). تهران: فرهنگستان هنر.
- نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۴). *درآمدی بر بینامتنیت: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). *ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی*. قم: لوگوس.
- مدنی‌پور، علی. (۱۳۹۲). *طراحی فضای شهری: نگرشی بر فرآیند اجتماعی - مکانی*. ترجمه: فرهاد مرتضایی. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- منشوری، عطاءالله. (۱۳۸۵). *واما لاله زار*. دو ماه‌نامه شهرنگار، ۷ (۳۹)، ۵۶-۵۹.

- منصوررضایی، مجید و مدیری، آتوسا. (۱۳۹۳). *خوانشی از تجربه شهری در خیابان‌های استانبول تا پرسه‌زنی ذهنی در خیابان‌های تهران نمونه موردی: استقلال استانبول، لاله‌زار تهران*. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۹ (۱)، ۴۳-۵۶.
- موسوی، سیدمحمد. (۱۳۸۶). *درآمدی بر هرمنوتیک و انواع آن*. نشریه پیک نور، ۵ (۴)، ۵۰-۵۶.
- نسبیت، کیت. (۱۳۹۳). *نظریه‌های پسامدرن در معماری*. ترجمه: محمدرضا شیرازی. تهران: نی. (۲۰۰۶).
- نوربرگ شولتز، کریستین. (۱۳۹۳). *وجود، فضا و معماری*. ترجمه: ویدا نوروزبرازجانی. تهران: پرهام‌نقش. (۲۰۰۰).
- ولی‌زاده ارجمند، احد. (۱۳۸۷). *هتل لاله: وارطان هوانسیان*. مجله معمار، ۵۳، ۲۴-۲۷.
- هولاب، رابرت. (۱۴۰۰). *یورگن هابرماس: نقد حوزه عمومی*. ترجمه: حسین بشیریه. تهران: نی.
- Amirian, Fateme & Irani Behbahani. Homa. (2017). *Identifying Effective Events, for Improving Quality of Life in Built Environment*. *International Journal of Occupational Hygiene*, 9(4), 235-247.
- Bakhtine, Mikhail. (1975). *Esthetique et theorie du roman*. Paris: Gllimard.
- Barthes, Roland. (1984). *S/Z*. Paris: Seuil.
- Barthes, Roland. (1985). *Laventure semiologique*. Paris: Seuil.
- Barthes, Roland. (2002). *Oeuvres completes. IV*. 1972-1976. Paris: Seuil.
- De Certeau, M. (1984). *The practice of Everydaylife*. Trans: S, Rendall, Berkeley. CA: University Of California.
- French, A.P. (1968). *Special Relativity*. London: Taylor & Francis.
- Gadamer, H.G. (1981). *Truth and Method*. London: Routledge
- Gignoux, Anne Claire. (2005). *Initiation a L intertextualite*. Paris: Ellipses.
- Grosz, Elizabeth. (2001). *Architecture from the outside: Essays on virtual and real space*. Cambridge: MIT Press.
- *Longman Dictionary of Contemporary English*. (2005). Pearson, London
- Massey, Doreen. (1995). *Space, place, and gender*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Maxwell, J. (1997). *Designing a Qualitative Study*. In L, Bickman & D. J. Rog (Eds). Handbook of applied social research methods (pp. 69-100). Thousand Oaks. CA: Sage.
- *Oxford Advanced Learner's Dictionary*. (2007). London: Oxford University Press.
- Ozsoy, A. & Esin Altas, N. & Ok, V. & Pulat, G. (1996). *Quality Assessment Model for Housing*, Habitat INTL, 20(2), 163-173.
- Piegay-Gros, Nathalie. (1996). *Initiation a L intertextualite*. Paris: Dunod.
- Rabau, Sophie. (2002). *L intertextualite*. Paris: Flammarion.
- Riffaterre, Michael. (1988). *Orion voyeur: L ecriture intertextuelle de claude Simon*. MLN. Vol. 103-104.
- Tschumi, Bernard. (2010). *Event-Cities*. Cambridge, Mass: MIT Press.